

## نقش سیاست های آموزش عالی در تحقق برنامه های توسعه پایدار

احمد اکبری<sup>۱</sup>، جواد دیهیم<sup>۲\*</sup> و مریم دهنوی<sup>۳</sup>

۱ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران akbari.180@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

Javad.deihim@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

M.dehnavi 05@gmail.com

### چکیده

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به عنوان شاخص ترین نهاد علمی که به امر پرورش انسانها اهتمام می ورزد، موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکندار حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد. ماهیت بلندمدت بودن توسعه پایدار کشورها را به سمت طراحی نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری توسعه پایدار به جای تدوین یک برنامه جامع توسعه سوق داد و این امر تبدیل به دستور کار جهانی در قالب اسناد توسعه پایدار نمایان گشت. در نتیجه این تحولات، تدوین استراتژی ملی توسعه به عنوان ویتترین نظام برنامه ریزی توسعه پایدار در کشورهای مختلف گسترش یافت. روند سیاست گذاری نظام آموزش عالی در ایران حاکی از آن است که آموزش عالی باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگناهای مالی، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت نیز بپردازد. این نظام در صورتی از عهده وظایف و اهداف خود در جهت توسعه پایدار برمی آید که از نظر کیفیت آموزشی نیز در وضعیت مطلوبی باشد.

هدف این مقاله بررسی نقش سیاست های آموزش عالی در تحقق برنامه های توسعه پایدار می باشد. در این مقاله مفاهیم سیاست گذاری، توسعه پایدار، ابعاد و اصول توسعه پایدار، سطوح و فرایندهای سیاست گذاری، مراحل برنامه ریزی توسعه پایدار، موانع اجرای سیاست گذاری مطلوب توسعه پایدار در آموزش عالی و در نهایت نقش سیاست های آموزش عالی در توسعه پایدار ارایه شده است.

**واژه های کلیدی:** سیاست، سیاست گذاری، توسعه، توسعه پایدار، آموزش عالی.

## ۱- مقدمه

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به عنوان شاخص ترین نهاد علمی که به امر پردازش انسانها اهتمام می ورزد، موتور محرکه و مغز متفکر جامعه بوده و سکندار حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد. ( غنچی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۱) بر همین اساس، برخی مواجهه آموزش عالی با تغییرات زیاد در محیط داخلی و خارجی طی دهه های گذشته و لزوم پاسخ به چالش های در حال ظهوری نظیر افزایش تقاضا برای آموزش عالی، کاهش حمایت های مالی دولتی، پیشرفت سریع تکنولوژی، تغییرات جمعیتی، منسوخ شدن برنامه های دانشگاهی و نیاز برای رقابت با مدل های نوین آموزش عالی را تحت شرایطی که ماهیت یک دانشگاه جامع سنتی حفظ گردد، مطرح نموده اند. در نتیجه تعداد زیادی از دانشگاه ها سیاست گذاری و برنامه ریزی، جهت توسعه پایدار را به عنوان ابزاری برای ایجاد سود، تغییرات استراتژیک، سازگاری با تغییرات محیطی سریع و... بکار گرفتند. (سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۳) چرا که، موسسات آموزش عالی از یک سو به عنوان حافظ و انتقال دهنده میراث فرهنگی و ارزشهای حاکم بر جامعه اند و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی برای کسب، اشاعه و توسعه دانش و فناوری می باشند. "دانشگاهها و مراکز علمی و آموزشی به دلیل نقش علمی و پیشرو آنها به عنوان نهاد پرچمدار رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری، از آغاز شکل گیری از اهمیت خاصی برخوردار بوده اند". از این رو سیاست های آنها همواره مورد توجه خاص دولت ها و ملت ها بوده است. (قادری، ۱۳۹۰، ص ۱) دولت ها به عنوان پرچمداران سیاست گذاری و برنامه ریزی، نقش اساسی و جایگاهی خاص در مطالعات توسعه به خود اختصاص می دهند. توسعه مجموعه ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که به گسترش توانایی ها و ظرفیت های کلی یک جامعه در همه ابعاد آن منجر شده و همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می شود. نهادهای سیاست گذار در حوزه آموزش عالی نیز در تلاشند تا با برقراری مکانیزم های سیاستی و حمایتی، تدوین اهداف سیاستی در حوزه نظام آموزش عالی و شناساندن گروه های مشخص مورد هدف در اهداف سیاستی، فرآیند توسعه پایدار کشور را بهبود و عملکردها در این زمینه را افزایش دهند. (قاضی نوری و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۷۲-۷۱) آلت باخ<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) در مروری بر مسائل آموزش عالی در کشورهای جهان سوم چنین عنوان می کند که: " آموزش عالی در جهان سوم، نهاد بسیار مهمی را تشکیل می دهد، نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را بر عهده دارد و مبنایی را برای جامعه ای برخوردار از تکنولوژی مهیا می سازد، بلکه از این منظر که مهمترین نهاد فکری است که تاثیر بسیار گسترده ای بر فرهنگ، امور سیاسی و اقتصادی و ..... دارد. (سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۶) امروزه اعتقاد عمومی صاحب نظران برنامه ریزی آموزش عالی نیز بر این است که ضمن توجه به خصوصیات ویژه هر دانشگاه به عنوان یک سیستم اجتماعی باز (پیچیده)، کاربرد اصول اساسی برنامه ریزی آموزش عالی در سیاست گذاری، تعیین اهداف، بیان استراتژی ها، تصمیم گیری ها، پیش بینی ها، استفاده بهینه از منابع و امکانات انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات و تدارک سیستم های ارزشیابی از ضرورت و اهمیت حیاتی برخوردار است و می تواند زمینه ساز کیفیت دانشگاه و محصولات آن و ایفای نقش بایسته و شایسته آن در توسعه ملی گردد. البته، این برنامه ریزی از آنجا که در راستای کارکردهای مختلف دانشگاه صورت می گیرد باید کلیت نظام دانشگاه را مورد توجه قرار دهد و توسعه دانشگاه را از زاویه این کلیت بررسی نماید. ( یمنی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸، ص ۴) مطالعات دینسون<sup>۲</sup> به نقل از کاظمی نشان داد که تنها، افزایش نیروی کار و سرمایه فیزیکی نمی تواند افزایش تولید ناخالص ملی را تبیین کند و نتیجه گرفت که افزایش سطح آموزش نیروی کار باعث ۲۳ درصد افزایش در نرخ سالانه رشد تولید ناخالص ملی در آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ شده است. دینسون همین مطالعه را در مورد کشورهای اروپایی نیز بکار گرفت و به همین نتیجه رسید. ( کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۵) بالدرستون<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) بر این اعتقاد است که آموزش عالی به عنوان اصلی ترین نهاد توسعه دهنده منابع

<sup>1</sup> Altbach

<sup>2</sup> Denison

<sup>3</sup> Balderstone

انسانی، در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر ملاحظات جهانی شدن، نقش حساسی را بر عهده دارد. (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹۳)

ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) در مقاله ای به بررسی عوامل مؤثر در سیاستگذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴ پرداختند که یافته های تحقیق نشان داد، آثاری چون افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین تر جامعه و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، افزایش ها و ایجاد استقلال دانشگاه ها و ارتقای انعطاف بیشتر در مدیریت دانشگاه علمی وضعیت در نظام آموزش عالی بنا بر نظرات کارشناسان دارای اهمیت بیشتری است. شریف و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی (سیاست گذاری توسعه کارآفرینی) در آموزش عالی ایران پرداختند. یافته ها نشان داد، از نظر پاسخگویان هدف ها، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری، شیوه های مدیریت و نظارت و ارزشیابی آموزش کارآفرینی باید بیش از سطح متوسط در آموزش کارآفرینی مد نظر قرار گیرد. حیدری و همکاران (۱۳۹۱) در طرح تحقیق خود با عنوان سازوکار ملی ترویج علم در ایران؛ با تمرکز بر سیاستگذاری و پیاده سازی به این نتیجه رسیده اند که «سیاستگذاری متمرکز ملی (شورایی و هیات امنایی) و پیاده سازی غیرمتمرکز» بهترین شیوه برای سازوکار ملی ترویج علم از دید پاسخگویان است. طبق این مدل از سیاستگذاری، شورایی از سیاستگذاران به سیاستگذاری کلان می پردازند و سایر نهادها نیز ضمن تعامل با این شورا، به پیاده سازی فرایندهای ترویج علم می پردازند.

با توجه به اهمیت شناخت سیاستگذاری در آموزش عالی و توسعه پایدار در سازوکار ملی، پرسشی اساسی مورد نظر این تحقیق این بوده است که: سیاست های آموزش عالی در تحقق برنامه های توسعه پایدار چه نقشی دارد؟ پس این پژوهش بر آن است تا ضمن تعیین پاسخ مناسب برای این پرسش، سازوکاری آن را منطبق با مناسب ترین شیوه ارائه نماید. از آنجا که پیشرفت در هر یک از مراحل و برنامه های توسعه با اجرای موفق آن امکان پذیر می شود، سیاست گذاری و روش اجرای آنها بسیار مهم است. به عبارت دیگر پیشرفت در امر اجرا، پیشرفت در مسیر توسعه است. در چرخه پنج مرحله ای سیاستگذاری و اجرا، تبلور تلاش سیاست گذاران و سیاست مداران برای رفع مشکل است و اگر این مرحله تحقق یابد، سیاست گذاری پایان یافته است. (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۷۴)

## ۲-۱- ادبیات نظری

### ۲-۲- سیاست و سیاستگذاری

در لغت نامه دهخدا برای کلمه «سیاست» معانی زیر بیان شده است: «... حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن، حکومت، ریاست...». در فرهنگ معین نیز آمده است: «حکومت کردن، حکومت، داوری و تنبیه». سیاست یعنی انجام کار به صورتی که صلاح آن در آن نحو انجام دادن است. به طور کلی، می توان گفت: که سیاست در دو معنای کلی به کار می رود؛ یکی، به معنای علم اداره کردن دولت و دیگری، که خاص تر از آن است در سیاست گذاری سازمانی و عمومی استعمال می گردد. (هاشمیان و خلیلی، ۱۳۹۲، ص ۷)

علم سیاست گذاری به مطالعه سیاست ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه های گوناگونی چون سیاست آموزش و پژوهش، بهداشت و کشاورزی همچنین زیرمجموعه های گوناگون هر یک از این موارد می پردازد. این علم می کوشد شناخت عملی ما را در سیاست های بخش عمومی گسترش دهد و دخالت های دولتی را در امور جامعه باز شناسد. (نادری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰) بطوری که لاسول<sup>۴</sup> سه ویژگی عمده را برای این رشته بیان می کند که عبارت است از:

۲-۱-۱- چند رشته ای (میان رشته ای)<sup>۵</sup>: مراد از چند رشته ای بودن سیاست گذاری آن است که این علم باید خود را از قید و بند معادلات محدود نهادها و ساختارهای سیاسی رها کرده و خود را به شاخه های دیگری همچون جامعه شناسی،

<sup>۴</sup> Harold Lasswell

<sup>۵</sup> Multi-disciplinary

اقتصاد و روانشناسی پیوند زده و در معادلات خود به حوزه های مختلف علمی مراجعه نماید. خط مشی گذاری، علم، هنر و حرفه ای است که نیازمند علوم و مهارت‌های گوناگوناوست تا بتواند به اهداف خود برسد.

۲-۱-۲- راه حل یابی<sup>۶</sup>: راه حل بودن این علم بدان معناست که این علم با مسائل واقعی جان پیوند داشته و صرفاً در حصارهای آکادمیک باقی نمی ماند بلکه به عالم واقع جریان می یابد.

۲-۱-۳- هنجاری و ارزشی<sup>۷</sup>: براساس این ویژگی سیاستگذاری نباید بر عینیت علمی پافشارد بلکه بایستی بپذیرد که جدا کردن اهداف از ابزارها و یا ارزشها از تکنیک ها در مطالعه فعالیت های دولتی امکان پذیر نیست.

در کنار این سه ویژگی می توان به مسئله محوری، کل نگری در عین جزء نگری، ثابت بودن از حیث چارچوب و روش و متغیر بودن از حیث خروجی که به دنبال خواهد داشت نیز اشاره کرد. (نیاز آذری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۲۰)

بنابراین، سیاستگذاری عبارت است از تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن سیاست کلی دولت و مصالح جمعی ملت مورد توجه قرار گرفته باشد. سیاستگذاری به عنوان فرایند «نظم دهنده» به بی نظمی ها و بازده مستقیم آن خط مشی عمومی است. (باقری، ۱۳۹۴، ص ۴) مراجع سیاست گذار در سطح ملی باید با وضع و اعلام سیاست ها، هدایت کلی برنامه توسعه را بر عهده بگیرند. کارکرد مورد انتظار سیاست گذاری عبارت است از:

هدایت و تدوین چارچوب های کلی؛ و تدوین سیاست های نوآورانه، هماهنگی، نظارت و ارزیابی. مطابق با مدل سیاست گذاری تصمیم گیری، وضع سیاست ها فرآیندی چندبعدی است که مستلزم وجود بازیگران عاقل، فرآیندهای سازمانی و سیاست های حکومتی است. (آهنچیان، ۱۳۹۱، ص ۷۳)

جیمز اندرسون<sup>۸</sup> سیاست را مجموعه اقداماتی نسبتاً پایدار و هدفدار توصیف می کند که یک بازیگر یا گروهی از بازیگران برای مواجهه با یک مشکل یا مسئله عمومی مورد توجه قرار می دهند. این تعریف نخست خاطر نشان می سازد که تصمیمات در مورد سیاست گذاری ها غالباً به وسیله مجموعه های بازیگران، به جای صرفاً یک مجموعه یا یک بازیگر در دولت گرفته می شوند. خط مشی ها غالباً فقط نتیجه تصمیمات چندگانه نیستند، بلکه نتیجه تصمیمات چندگانه گرفته شده از سوی تصمیم گیرندگان چندگانه هستند که غالباً در سراسر سازمان های پیچیده دولتی پراکنده اند. دوم، در تعریف اندرسون بر ارتباط بین اقدام دولت و ادراک واقعی یا غیر واقعی وجود یک مشکل یا موضوعی که مستلزم نوعی اقدام است، تأکید شده است. (منطقی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۸)

بنابراین، سیاست دارای وجه تعمدی است که برای تحقق یک مقصود معین و روشن طراحی شده است؛ در بردارنده تصمیمات و نتایج آن است؛ دارای ساختار و سابقه است؛ ماهیتاً وجه سیاسی دارد؛ و پویا است. سیاست ابزاری است که بوسیله آن می توان هدف های تعیین شده را تحقق بخشید. سیاست به مفاهیم، رهنمودها، مقررات و روشها، باید و نبایدهایی گفته می شود که یک مجموعه هنگام تصمیم گیری از آن به عنوان چارچوب کاری استفاده می کند. (آهنچیان، ۱۳۹۱، ص ۷۴)

راث میر و وارون<sup>۹</sup>، پنج ویژگی برای طرح یک سیاست برشمرده اند. از نظر آنها، طرح سیاست مشتمل بر اهداف، ابزارها، گروه های هدف، مجریان و منطق ها است:

- ❖ اهداف، نتایج مورد نظر هستند و به تعریف و درک مسأله، بستگی دارند؛
- ❖ ابزارها، سازوکارهای طراحی شده برای دستیابی به اهداف مزبورند؛
- ❖ گروههای هدف، گروهها یا افرادی هستند که سیاست مزبور در پی تأثیرگذاری بر اعمال و شرایط آنهاست. اعضاء گروه هدف، خصوصیات مشترکی مانند حرفه یا مسائل مشترک دارند؛

<sup>6</sup> Problem solving

<sup>7</sup> Explicitly normative

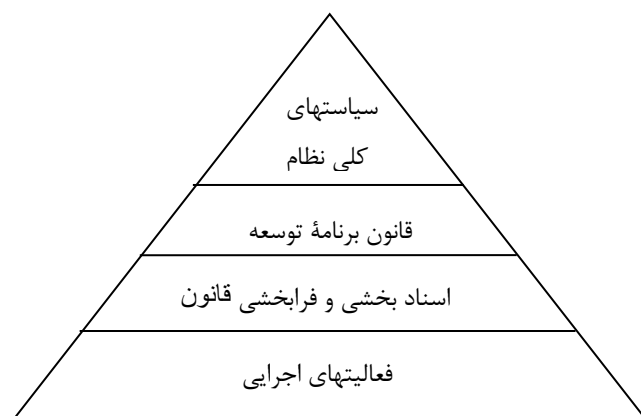
<sup>8</sup> James Anderson

<sup>9</sup> Rothmayr and Varone

- ❖ مجریان، کنش گرانی هستند که مسئول اقدامات برای اجرای سیاست می باشند مانند یک آژانس اجرایی یا سازمانی خصوصی که مأمور اجرای برنامه شده است؛
- ❖ منطق ها، تئوری هایی هستند که عناصر متفاوت طرح سیاست را به هم ارتباط می دهند. (قاضی نوری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۲)

سیاستگذاران و ذینفعان، دو گروه عمده مؤثر در شناسایی و مکمل یکدیگر در پیاده سازی سیاست های مناسب آموزش عالی هستند. (گلدسته و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۳) سیاست گذاری در بخش آموزش عالی در دو سطح فرابخشی و درون بخشی صورت می گیرد. مراجع عالی یا فرابخشی در حوزه آموزش عالی عبارتند از: مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیات دولت و اصلی ترین مراجع درون بخشی عبارتند از: وزیر، شورای عالی برنامه ریزی و شورای عالی گسترش آموزش عالی. سیاست های کلان آموزش عالی توسط مراجع فرابخشی تدوین می شود. به منظور اجرایی کردن سیاست ها نیاز به راهبردها و روندهایی است که توسط مراجع درون بخشی طراحی می شود. در سطح عملیات نیز دانشگاه ها مأموریت عملیاتی کردن راهبردها و ارجایی ساختن روندها را برعهده دارند (آهنچیان، ۱۳۹۱، ص ۷۴)

در اسناد بالادستی کشور مانند سند چشم انداز، نقشه جامع علمی و همچنین برنامه های پنج ساله توسعه کشور، به منظور پاسخ گویی به تقاضای آموزش عالی راهبردهایی مصوب گردیده که به عنوان نمونه می توان به صدور مجوز برای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دولتی جهت جذب دانشجوی مازاد بر سهمیه آموزش رایگان و ایجاد ظرفیت های جدید در این خصوص با دریافت هزینه های تحصیلی از دانشجویان، حمایت از شکل گیری و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، مبتنی بر اهداف و ارزشهای نقشه جامع علمی کشور، توانمندسازی بخش غیردولتی جهت مشارکت در تولید علم و فناوری. (گلدسته و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۸۱-۸۲)



شکل ۱: هرم سیاست گذاری در ایران (امامی میبیدی و اشترینان، ۱۳۹۱، ص ۲۱)

روند سیاستگذاری در هرم فوق به هم پیوسته بوده و در ارتباط با یکدیگر تدوین و اجرا می شوند. سیاست های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و پس از تأیید رهبر ابلاغ می شود. این سیاست ها عمدتاً ماهیتی استراتژیک داشته و جهت گیری اصلی نظام در حوزه های مختلف را مشخص می کنند. سیاست های کلی باید در قالب سیاست های قانون برنامه های پنج ساله توسعه تجسم یابند که توسط دولت تدوین شده و مجلس شورای اسلامی آن را تصویب می کند. سیاست های برنامه ای در چهارچوب اسناد بخشی و فرابخشی دارای برنامه های عملیاتی می شوند و باید طی برنامه های مالی سالانه موسوم به قانون بودجه اجرایی شوند. دولت سالانه لایحه بودجه را تدوین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می کند. پس از تصویب، دستگاه های اجرایی ملی و محلی فعالیت های اجرایی را طراحی و اجرا می کنند. سالانه دیوان محاسبات به حسابرسی عملکرد دولت می پردازد و گزارش تفریغ بودجه را به مجلس شورای اسلامی ارائه می کند؛ بنابراین این فرایند، رهبر و مستشار آن مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه مجریه و قوه مقننه را درگیر سیاست گذاری و اجرا می کند؛

بنابراین ارزیابی سیاست‌ها به عنوان بررسی بازخورد اجرای سیاست‌ها باید بتواند لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری را پوشش دهد و اطلاعات و شواهد لازم را برای هر سطح فراهم کند. (امامی میبیدی و اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۲۲)

## ۲-۲- سطوح سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری‌ها در سه سطح پیوسته و منسجم، از سطوح بسیار عمومی شروع گردیده و تا سطوح بسیار اختصاصی ادامه می‌یابد.

۲-۲-۱- سیاست‌گذاری اصلی: این نوع سیاست‌ها، سطوح عمومی سیاست‌گذاری در وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی هستند که مقاصد اصلی و اولویت‌های کشور یا موسسه را نشان می‌دهند. آنها از لحاظ تعداد خیلی کم بوده و از لحاظ محدوده بسیار گسترده‌اند. سیاست‌های اصلی مبنای سیاست‌های بعدی قرار می‌گیرند؛ مانند عدالت اجتماعی و امنیت عمومی.

۲-۲-۲- سیاست‌گذاری استراتژیک: فعالیت‌هایی را شرح می‌دهد که در تعقیب سیاست‌های مستقیم و دستورات اصلی هستند. این سطح میانی سیاست‌گذاری، شفافیت و چگونگی اجرای دستورات اصلی را در سازمان ایجاد می‌نماید.

۲-۲-۳- سیاست‌گذاری عملیاتی: این سیاست‌گذاری‌ها بسیار ویژه بوده و اغلب قلمرو محدودی دارند. آنها مبنای عمل روزانه موسسات می‌باشند و رهنمودهایی برای تصمیم‌گیرندگانی هستند که تعیین می‌کنند چه فعالیت‌هایی باید برای کسب نتایج ویژه صورت پذیرد. (نیازآذری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

## ۲-۳- ویژگی‌های اصلی سیاست‌گذاری

- دارا بودن هدفهای کلی و فراگیر؛
- تعیین اولویت زمانی سیاست‌گذاری؛
- تعیین میزان ریسک‌پذیری؛
- تعیین حد و مرز سیاست‌ها؛
- طراحی پیش‌فرض‌های مربوط به آینده؛
- ایجاد بنیادهای نظری برای تدوین سیاست‌ها؛
- پایداری سیاست‌ها؛
- آینده‌نگری، واقع‌بینی. (منطقی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۸)

## ۲-۴- فرایند سیاست‌گذاری

یکی از صاحب‌نظران سیاست‌گذاری بنام بریان اسمیت<sup>۱۰</sup> در کتاب خود با عنوان تصمیم‌گیری در حکومت بریتانیا، فرایند سیاست‌گذاری را فرآیندی پیچیده و چند بعدی معرفی می‌نماید. او معتقد است در فرایند سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از عوامل شامل اعتقادات و ارزشهای جامعه، دانش و فن، فشار و قدرت، حمایت و عدم حمایت و قوانین و مقررات تأثیرگذار هستند. این عوامل نه تنها در اتخاذ سیاست‌ها تأثیرگذارند و به فرایند سیاست‌گذاری شکل می‌دهند؛ بلکه اجرای سیاست‌گذاری‌ها، مرهون تعامل این پنج عامل است. اجرای هر سیاستی در جامعه از این پنج عامل متأثر است؛ به طور مثال اگر در اجرای یک سیاست توجهی به اعتقادات و ارزش‌های جامعه نشود، در حقیقت آن سیاست گروه هدفی برای خود نخواهد داشت. اگر توجه به دانش و فن و متخصصان مربوطه در سیاست مورد نظر نباشد موفقیت واقعی برای آن، امری غیرقابل باور خواهد بود. اگر نقش فشار و قدرت (اجبار) و حمایت یا عدم حمایت (نفوذ) را نادیده بگیریم، چگونه سیاست مورد نظر در جامعه پشتیبانی و حمایت خواهد شد؟ مسلماً این امر جز با اجبار و نفوذ گروهی از سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران، میسر نخواهد بود و در نهایت اجرای هر سیاست باید مطابق با قوانین و مقررات حاکم باشد تا هم قانون نقض نشود و هم سیاست مورد نظر پشتیبانی قانونی برای خود داشته باشد. (توسلی، ۱۳۸۷، صص ۷۸-۷۷)

<sup>10</sup> Brian Smith

در نگاهی کلی، فرآیند خط مشی گذاری (سیاست گذاری)، شامل مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی است. جونز<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) اجرای آن را شامل «اهداف، طرح ها و پیشنهادهای دستیابی به اهداف، برنامه های مصوب دستیابی به اهداف، تصمیمات و حتی آثار برنامه ها می داند. (شریف زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۸)

جدول ۱: ابعاد و شاخص های فرایند سیاستگذاری، (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۸)

ابعاد	مولفه ها	شاخص (گویه های مورد سنجش)
تدوین و اجرای سیاستها	شناسایی موضوعات سیاستی	تا چه میزان شناخت صحیح از حوزه ها و موضوعات مهم و مورد نیاز جهت سیاست گذاری به دست آمده. در تدوین سیاستها، زنجیره های از دیدگاههای فراگیر نسبت به یک مسأله شناسایی می شوند.
	تدوین سیاستها	تا چه میزان تعریف/ تدوین دقیقی از مسائل مهم و مورد نیاز جهت سیاست گذاری صورت گرفته است. تا چه حد در تدوین سیاستها، اولویت ها یا گزینه های قابل دسترس برای رسیدن به اهداف به طور شفاف بیان می شوند. تا چه میزان انعطاف پذیری، نوآوری و ایده پردازی خلاقانه در طراحی سیاست وجود دارد.
	نگاه بلندمدت سیاست ها	میزان گسترش نگاه بلندمدت مبتنی بر روندها و پیش بینی های معتبر
	انتخاب سیاست ها	میزان دقت به کار رفته در انتخاب گزینه ها یا بدیل های گوناگون جهت اقدام
	اقدام سیاستی	میزان دقت در اجرای سیاست ها
	ارزیابی اهداف	تاچه حد اهداف اولیه ی مورد انتظار از سیاست ها محقق شده اند.
بازتنظیم سیاستها (ارزیابی سیاستها)	ارزیابی بروندادها	تا چه حد تعریف شفاف از بروندادهای سیاست ها و پیامدهای احتمالی سیاست ها صورت گرفته است.
	توجه به محیط بیرونی	میزان توجهی که به تجارب ملی، منطقه ای و بین المللی وجود دارد.
	پایش مستمر سیاست ها	مرور دائمی سیاست جاری به منظور حصول اطمینان از این که واقعاً به مسأله ای که برای حل آن طراحی شده می پردازد.

نظام سیاست گذاری ایران به فرایندی سیستماتیک و هدفمند برای تولید داده های حاصل از عملکرد، پردازش آنها به اطلاعات و تبدیل آن به دانش سیاستی نیاز دارد تا نسبت به کم و کیف تحقق اهداف سیاست ها، آثار و پیامدهای آنها و موفقیت یا ناکامی شان آگاهی داشته و از آن برای سیاست گذاری و تصمیم گیری بهره گیرد. (امامی میبیدی و اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۱۰)

### ۳- توسعه

#### ۳-۱- مفهوم توسعه

توسعه واژه ای است که هر یک از صاحب نظران رشته های مختلف علوم، تعریفی خاص و متناسب با رشته ی علمی خود از آن ارایه کرده اند. توسعه در فرهنگ دهخدا به معنی فراخی و وسعت آمده است که به صورت توسعه دادن، توسعه پیدا کردن و توسعه یافتن به کار می رود. به عبارت دیگر، از نظر لغوی توسعه یعنی خروج از پوسته و لفاف و در حالت کلی به معنای خارج شدن از وضعیت قبلی می باشد. دکتر بهنام ملکی نیز در مقدمه ی کتاب توسعه ی اقتصادی و برنامه ریزی، می نویسد: توسعه در مفهوم وسیع آن یعنی بهبود در بهره وری و بازده نیروی انسانی و فناوری، ارتقای سطح زندگی در همه ی ابعاد آن یعنی آموزش بهتر، عدالت اقتصادی- اجتماعی و حذف امتیازات ناروا، آزادی بیشتر انتخاب فردی و زندگی غنی تر فرهنگی. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰-۱۷۹) در سایر علوم نظیر جامعه شناسان توسعه را افزایش و تکثر نهادهای اجتماعی، سیاست مداران توسعه را افزایش میزان مشارکت و تحول نهادهای قدرت و اقتصاد دانان آن را به کارگیری عوامل اقتصادی به منظور بهبود سطح زندگی می دانند. این تعاریف مختلف بیش از هر چیز نشان دهنده ی جوانب مختلف توسعه می باشد. پال استریتن<sup>۱۲</sup>

<sup>11</sup> Jones

<sup>12</sup> Paul Streeten



معتقد است توسعه یعنی نوگرایی و مدرن شدن. به اعتقاد وی، توسعه یعنی تغییر زندگی انسان و تغییر خود انسان. تیروال<sup>۱۳</sup> نیز عقیده دارد، توسعه چیزی بیشتر از افزایش درآمد بوده و به مفهوم این است که افزایش درآمد واقعی همراه با تحولات در آداب و رسوم بوده که در گذشته مانع پیشرفت شده است. (همان، ۱۳۹۰، صص ۱۸۱-۱۸۰) به بیان دیگر توسعه دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی اجتماعی، فرهنگی است. ابعادی که کشورها در برنامه ریزی بلندمدت خویش و به منظور دستیابی به درجه ی معقولی از توسعه باید به تمام آنها توجه همزمان داشته باشند. ابعادی غیرقابل تفکیک که هرگونه تحلیل واقع گرایانه از فرآیند توسعه، باید آنها را در یک منظومه ی کلان و به هم پیوسته و پویا که متقابلاً بر هم تأثیر می گذارند و از هم تأثیر می پذیرند، مورد توجه قرار دهد. از این رو هنگامی که از یک جامعه ی توسعه یافته با توسعه نیافته صحبت می شود، منظور جامعه ای است که از شاخص های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توسعه برخوردار است. (همان، ۱۳۹۰، صص ۱۷۶)

### ۲-۳- اهداف توسعه

سازمان های بین المللی از جمله یونسکو برای عملیاتی کردن معیارهایی همچون اخلاق، احترام، مسؤولیت پذیری، پاسخگویی به زندگی اجتماعی، یکپارچگی اکولوژیکی، عدالت، برابری اقتصادی و اجتماعی، منفعت جامعه، برنامه ریزی آموزشی و تفکر استراتژیک، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را به عنوان دهه ملل متحد برای آموزش در توسعه پایدار اعلام کردند. هدف اصلی آن، یکپارچه کردن ارزشهای ماندگار توسعه پایدار به منظور آماده کردن شهروندان برای رودررویی مستقیم با چالش های حال و آینده، تصمیم گیری توأم با مسؤولیت پذیری و پاسخ گویی در جهت یک جامعه پویا و زنده مورد توجه قرار می گیرد. (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۱۰۳) با توجه تحولی که طی بیش از شش دهه در مفهوم توسعه به وجود آمد، امروزه برخی دیگر از اهداف توسعه عبارتند از:

- ❖ دستیابی به رشد اقتصادی (رشد تولید سرانه جمعیت و در شکل کلان، رشد سالانه تولید ناخالص ملی)
  - ❖ کاهش فقر مطلق (کاهش میزان جمعیتی که پایین تر از سطح استاندارد رفاه، خواه از نظر درآمد یا مصرف زندگی می کنند) و به عبارت دیگر کم کردن نابرابری یعنی اختلاف درآمد و ثروت میان مردم.
  - ❖ گسترش خدمات اجتماعی همچون دسترسی عمومی به بهداشت، آموزش، ارتباطات و اطلاعات.
  - ❖ گسترش دموکراسی و مشارکت اجتماعی به عنوان عامل تحکیم بخش و تضمین کننده توسعه اقتصادی.
- روی هم رفته تمامی موارد فوق هدفی یگانه را دنبال می کنند و آن، جامعه ای است که با تأکید بر انسان، نیازهای مادی و معنوی را به نحو رضایت بخشی تأمین می کند. (شیرزادی، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۳۲)

### ۳-۳- مفهوم توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار<sup>۱۴</sup> در عین سادگی ظاهری آن از پیچیدگی فوق العاده ای برخوردار است که باعث شده تعریف ها و تفسیرهای گاه بسیار دور از ذهنی برای آن ارائه گردد. ابهام مفهومی و چندوجهی بودن توسعه پایدار و نیز علایق گوناگون مفسران این مفهوم که مربوط به بین رشته ای بودن آن است باعث تنوع در تعاریف گردیده، به گونه ای که تا اوایل دهه ۱۹۹۰ بیش از ۷۰ تعریف از توسعه پایدار ارائه شده است. به عنوان مثال، ترنر<sup>۱۵</sup> معتقد است که سیاست توسعه پایدار در پی حفظ میزان قابل قبولی از رشد درآمد سرانه بدون هدر دادن ذخیره سرمایه ملی یا ذخیره منابع زیست محیطی است. کان وی<sup>۱۶</sup> توسعه پایدار را به عنوان تداوم تولید خالص توده زنده<sup>۱۷</sup> (تعادل مثبت توده در ازای یک واحد از مکان در طول زمان) تعریف می کند (واعظ زاده و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۴۶) و کمیسیون جهانی توسعه محیط زیست<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۷) توسعه ای را پایدار می داند که: « بتواند احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل های آینده برای برآورده سازی نیازمندی هایشان تأمین

<sup>13</sup> A.P. Tirwall

<sup>14</sup> Sustainable Development

<sup>15</sup> Turner

<sup>16</sup> Conway

<sup>17</sup> biomass

<sup>18</sup> World Commission on Environment and Development



کند». به بیان دیگر، توسعه پایدار در بردارنده کارایی اقتصادی، برابری اجتماعی، پایداری اکولوژیکی و شکل جدیدی از حکمرانی است که تحرک و مشارکت اجتماعی تمامی ذینفعان را در جامعه در فرایند تصمیم‌گیری تشویق می‌کند. انسان در توسعه پایدار، محور توسعه معرفی می‌شود. به عبارتی توسعه پایدار، انسان محور است و عرصه نوینی است که همزمان سیاست، فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد، تجارت و حقوق برابر انسانها را مور توجه قرار می‌دهد. (محمودی و ماجد، ۱۳۹۱، ص ۴۴) توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب به توانایی نسلهای آینده برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد. در اساس یک موقعیت ثابت نیست. به عبارت دیگر توسعه پایدار، «فرایند مستمر از دگرگونی، انطباق و سازگاری» که طی آن بهره‌کشی از منابع جهت سرمایه‌گذاری، جهت‌گیری توسعه تکنولوژیک، نهادینه کردن و هماهنگی فعالیت‌ها در ارتباط با هم برای بالفعل رساندن نیازهای انسان. توسعه پایدار، برآورنده نیازهای آرمانی انسانها نه فقط در یک کشور و یک منطقه بلکه، تمامی مردم در سراسر جهان در حال و آینده است. توسعه پایدار به عنوان مفهومی فراگیر، ابعاد متفاوتی شامل: ابعاد اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. به منظور آنکه توسعه در درازمدت پایداری خود را حفظ کند وجود تعامل بین ابعاد ذکر شده ضروری است. (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷)

### ۳-۴- اصول توسعه پایدار

توسعه پایدار هدفی مطلوب برای هر کشور و شهروندان آن است، که علاوه بر جنبه‌ی اقتصادی سایر جنبه‌های زندگی انسانها را نیز در برمی‌گیرد. از همین روست که برنامه‌های توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و حتی موارد فرهنگی را نیز در لیست اهداف خود دارند. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰) اصول مختلفی از پدیده‌ی توسعه توسط پژوهشگران این حوزه ارائه شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. اصول توسعه پایدار عبارتند از:

- کنار گذاشتن تصور قدرقدرتی انسان،
- اکوسیستم بسیار مهمتر از درک و تصور فعلی است،
- عدالت و برابری،
- آشتی و توسعه پایدار،
- مشارکت و وفاق،
- مردم محور،
- برنامه جامع حرفه‌ای و تلفیق،
- دید سیستمی و کل‌گرایانه،
- ساخت بر روی آنچه وجود دارد،
- انعطاف‌پذیری،
- استفاده عاقلانه از منابع،
- تفکر جهانی و عمل محلی. (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸-۱۰۷)

### ۳-۵- توسعه و برنامه‌های توسعه در ایران

فارغ از بحث نظریه‌های توسعه در ایران که خود مبحثی جداگانه و مفصل را می‌طلبد، برای ورود به بحث توسعه و برنامه‌های توسعه در ایران، لازم است اشاره شود که تفکر توسعه یعنی احساس نیاز، اندیشیدن و حرکت در راستای آن، نیازمند ساختاری عقلانی است، که ریشه در مدرنیته دارد. شواهد نشان می‌دهند که طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۹۰ نظریات متعددی در مورد جهت‌گیری توسعه در ایران ارائه شده است که هر یک بر قالب و قواعد خاصی تأکید دارند. بنابراین می‌توان جلوه‌هایی از جدال تئوریک در مورد نظریه پردازی توسعه در ایران را مشاهده نمود. (یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸)

برنامه توسعه، برنامه ای است که به دنبال ایجاد تغییر در ساختارها و نهاد های یک جامعه برای رسیدن به اهداف عالی و چندگانه در حوزه های اقتصادی- اجتماعی و علمی و فرهنگی است. برنامه ریزی توسعه فرایند پیچیده ای است که متضمن انتخاب اهداف اجتماعی، تعیین هدف های کمی، اشاعه و انتشار اطلاعات و همچنین سازماندهی چارچوبی برای اجرا، هماهنگی و نظارت بر فرایند برنامه ریزی است. در این فرایند، سازمانها و کارگزاران متعددی در زمینه تهیه و تدوین و اجرای سیاست ها و خط مشی های اقتصادی، اجتماعی و به صورت عام توسعه ای در تعامل و کنش متقابل هستند. سیاست گذاران، برنامه ریزان، آمارشناسان و پژوهشگران و مردم از جمله عاملان اصلی فرایند برنامه ریزی توسعه به شمار می روند. ( محمودی و ماجد، ۱۳۹۱، ص ۶۸) بعد از انقلاب اسلامی نیز به دلیل شرایط بحرانی ناشی از جنگ، تا مدتی عملاً اقدامی برای نوسازی و توسعه ای ایران صورت نگرفت؛ اما در دهه ی دوم؛ یعنی سالهای ۱۳۶۸-۷۸ دو برنامه ی توسعه ای تصویب و به مرحله ی اجرا درآمدند. هم اکنون نیز برنامه ی ششم توسعه ای کشور در حال بررسی و تصویب مجلس شورای اسلامی است. ( یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹) مبنای این پیشرفتها را در درجه ی نخست باید در کیفیت برنامه ها و سیاست های دولتی جستجو نمود. یعنی همان چیزی که موضوع مطالعه ی علوم سیاست گذاری را تشکیل می دهد. برنامه های توسعه ای هر کشور از این منظر یکی از موضوعات پر اهمیت در مطالعه ی سیاست های عمومی است. هر چه افراد مختلف به آموزش و پرورش و برنامه های کارآموزی متفاوتی نیاز پیدا می کنند و هر چه مسئولیت تصمیم گیری در سلسله مراتب سازمان به سطوح پایین تر تفویض می گردد به همان نسبت هم فعالیت های برنامه ریزی کلان و متمرکز ناکافی به نظر می رسد در چنین نظامی برنامه ریزی ها باید در خدمت تصمیم گیرندگان سراسر نظام آموزش باشد ( ورسپور، ۱۹۹۷: ۶) نظام آموزش ابزار اصلی تغییر نگرش ها و دگرگونی ساختار های اجتماعی و تعیین کنندگالگوهای سیاسی جدی است و می تواند نقش مهمی در گسترش و انتقال مهارت های مربوط به مشارکت سیاسی داشته باشد ( کلمن ۱۹۹۰ و الموند و وربا، ۱۹۷۵). اما پیش از ورود به بحث، اشاره به این نکته ضروری است که برنامه های توسعه در هر کشور (که در ایران قبل از انقلاب در دوره های ۷ ساله و بعد از آن در دوره های ۴ ساله ترسیم شده اند) در سطحی خاص از برنامه ریزی قرار دارند که تنها در کنار سایر قوانین و برنامه های کشور عینیت می یابد. به بیان بهتر برنامه های توسعه در سطحی میانی قرار دارند. یعنی از یک سو باید سایه ی قوانین بالادستی یک کشور (مثل سند چشم انداز و سیاست های کلی) در آن حضور داشته باشد و از سوی دیگر باید بتواند قوانین پایین دستی را ساماندهی و نظم بدهد، تا از این طریق اهداف کلی مطرح در اسناد بالادستی به درستی حاصل شوند. لذا باید گفت برنامه های توسعه به لحاظ محتوا باید در سطحی باشند که بتوانند سیاست های کلی مطرح در استراتژی کلان هر کشور را به سیاست های میانی تفسیر کند، تا راه برای سیاست های اجرایی و جزئی در مسیر مورد نظر هموار شود (شکل شماره ۱). به بیان بهتر، تعیین هدف اولین و مهمترین مرحله در تنظیم و تدوین برنامه ی توسعه است. ( یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸-۱۷۷)



شکل ۲: ارتباط میان برنامه های توسعه با اسناد بالادست و پایین دست. ( یزدانی زازرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸)

#### ۴- آمایش آموزش عالی در حوزه سیاست گذاری

طرح آمایش آموزش عالی یکی از برنامه های کلان وزارت علوم در برنامه پنجم توسعه است که از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به معاونت آموزشی ارجاع شد و توسعه هدفمند آموزش عالی را دنبال می کند. اهداف این طرح که راهنمای بازنگری و تدوین برنامه های درسی و سرفصل ها، به شرح زیر است:

- متناسب سازی توسعه آموزش عالی با نیازهای استانی، ملی، منطقه ای و بین المللی
- ایجاد تناسب بین رشته ها و اهداف آموزش عالی
- بازنگری و تدوین برنامه های درسی متناسب با اهداف آموزش عالی به ویژه در حوزه علوم انسانی (شامل: بازنگری دروس، مقاطع، محتوی و کتب درسی و توسعه کرسی های نظریه پردازی و ....)
- بازنگری و ساماندهی نقش و جایگاه و مأموریت زیرنظام ها
- ساختارسازی و ایجاد نهاد تضمین کیفیت و نظارت مستمر بر آموزش عالی و تدوین استانداردها و شاخص های کمی و کیفی هر یک از زیرنظام ها و ارتقای اثربخشی آنها
- توسعه فعالیت های مشترک بین المللی با هدف ارتقای سطح کیفی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی
- حمایت از توانمندسازی بخش غیردولتی در توسعه آموزش عالی
- توانمندسازی دانش آموختگان آموزش عالی به منظور کارآفرینی و ورود به بازار کار
- ایجاد ارتباط مؤثر بین دانشگاه ها و دستگاه های اجرایی، بخش های غیردولتی در جهت ارتقاء مهارت و به کارگیری یافته های علمی در جامعه
- اصلاح و به روزرسانی زیرساختار مدیریت آموزش دانشگاه ها
- اصلاح و ارتقاء نسبت استاد به دانشجو و هرم اعضای هیأت علمی
- اجرای طرح دانش افزایی و توانمندسازی اعضای هیأت علمی. (محمدی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

#### ۵- مراحل برنامه ریزی توسعه پایدار از دیدگاه سیاست گذاری

##### ۱-۵- مرحله اول: شناسایی مسائل و تعیین دستور کار

نکاتی که در این مرحله باید در نظر گرفته شود شامل پیوستگی مسئله با مسائل مرتبط، شاخص های موجود درباره مسئله موردنظر و شاخص های مطلوب می باشد. در این مرحله پیشنهادات زیر ارائه می شود.

- حضور ذینفعان توسعه پایدار از بخش های دولتی، خصوصی، اصناف، غیردولتی ها و مردمی به صورت اظهارنظر و عقیده از طریق نمایندگان شناخته شده.
- تعریف مسائل در چارچوب ساختار توسعه پایدار جامعه شامل اولویت ها، خطرات و فرصت ها.
- اجتناب از تعصب های بخشی و سازمانی در تعریف مسئله.
- کنترل مسائلی که ارتباط حیاتی و استراتژیک با اولویت های توسعه پایدار دارند.
- وارد کردن تحلیلگران به انجام تحلیل مسائل.

##### ۲-۵- مرحله دوم: تدوین سیاست ها و برنامه ها

گام دوم و مهم در برنامه ریزی توسعه پایدار تدوین سیاست ها و برنامه هاست. تدوین سیاست فرایند تولید گزینه ها سیاستی برای پاسخ به مشکلات ارائه شده در مرحله دستور کار است. در این مرحله تدوین کنندگان سیاست ها، گزینه های سیاستی را شناسایی، بازتعریف و مدون می کنند تا زمینه را برای مرحله تصمیم گیری آماده نمایند. در مرحله تدوین سیاست ها ابتدا باید تعریف و تصویری روشنی از مشکل یا مسئله موردنظر ارائه کرد. تدوین سیاست های توسعه پایدار به دلیل بررسی گزینه های مختلف بر مبنای سه معیار اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. از این رو سازمان دهی کارگروه های مختلف، استفاده از منابع و توانمندی های مراکز پژوهشی، حمایت از مشارکت سازمان های غیردولتی و حمایت از تحلیل پیش بینی یا آینده نگرا نه و تولید دانش در مورد هر یک از حوزه های مرتبط با توسعه پایدار ضروری است. در مرحله

تدوین سیاست‌های توسعه پایدار، ارائه تعداد محدودی از اهداف برای هر یک از راه‌حل‌های سیاستی، به‌صورت اهداف کلی، ویژه و عملیاتی، در نظر داشتن گستره مناسب، دنباله و سرعت تغییرات موردنظر در گزینه‌های سیاستی، توجه به تجربه‌های مشابه در جستجوی راه‌حل‌های سیاستی و استفاده از ترکیبی از راه‌حل‌ها برای دستیابی به اثرات متعدد باید موردتوجه قرار گیرد. (کمالی، ۱۳۹۴، ص ۲)

#### ۳-۵ - مرحله سوم: تصویب سیاست‌ها و برنامه‌ها

تصویب یک برنامه با توجه به ماهیت چندبعدی توسعه پایدار دشوار است. تدوین مناسب گزینه‌ها نقش مهمی در هدایت مراحل بعدی دارد. در مرحله تصویب سیاست، انتخاب یک یا چند شاخص اساسی برای ابعاد اقتصادی، اجتماعی محیط زیستی هر گزینه بر مبنای شرایط محلی و ملی و تعیین دوره زمانی قابل اهمیت است. سازمان‌دهی و مقایسه نتایج ارزیابی گزینه‌های مختلف در ماتریس تصمیم‌گیری به شکل شفاف و مرتبط با یکدیگر، انتخاب گزینه سیاستی که همگرایی را افزایش و اثرات منفی را کاهش می‌دهد نیز باید موردتوجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

#### ۴-۵ - مرحله چهارم: اجرا

اجرای مناسب برنامه‌های توسعه پایدار مستلزم بازبینی منطقی و نظام‌مند زیرساخت‌های اجرایی پیش از اجرای سیاست‌ها، مشارکت گروه‌های مختلف به‌ویژه مردم محلی، ایجاد هماهنگی در فرآیند اجرا است. تخصیص منابع و اقتدار کافی به مجریان، تشریح نقش و وظایف همه مشارکت‌کنندگان حاضر در فرآیند اجرا، شناسایی واحدهای مختلف از جمله بخش غیردولتی و افراد حاضر در سازمان‌های دولتی، توجه به منافع و سطح سازمان‌دهی، منابع و ظرفیت‌های ذی‌نفعان مختلف، استفاده از برنامه‌ریزی عملیاتی، مدیریت روابط میان فردی، محرک‌ها و ظرفیت‌های لازم از جمله مواردی است که در اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های توسعه پایدار باید موردتوجه قرار گیرد. (کمالی، ۱۳۹۴، ص ۳)

#### ۵-۵ - مرحله پنجم: ارزیابی

ارزیابی سیاست‌های توسعه پایدار به معنای بررسی و تعیین اثرات سیاست‌ها، ابزارهای به کار گرفته‌شده، اهداف محقق شده در این زمینه است. نتایج این بررسی‌ها به‌صورت بازخورد به مراحل قبلی سیاست‌گذاری بازمی‌گردد. برای ارزیابی سیاست‌های توسعه پایدار شاخص‌های مختلفی ارائه شده است. مشخص کردن حوزه تحلیل به‌منزله نقطه آغاز کنترل اثرات، جمع‌آوری اطلاعات مناسب و استفاده از نظام اطلاعات، وارد کردن مراکز تحلیلی و آماری، اجتناب از تعصب در جمع‌آوری داده‌ها و جدا کردن اثرات سیاست از اثرات سایر عوامل ضروری است. وارد کردن همه ذی‌نفعان در کنترل و ارزیابی، مشخص کردن و انتشار اهداف سیاستی، معیار و شاخص‌های ارزیابی از جمله پیش‌شرط‌های انجام ارزیابی سیاست‌های توسعه پایدار است. ارزیابی استراتژی و برنامه‌های ملی توسعه پایدار کشور را می‌توان توسط نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی و یا با کمک سازمان‌های بین‌المللی همیار توسعه انجام داد. (کمالی، ۱۳۹۴، ص ۳)

#### ۶- تاثیر آینده‌نگاری بر سیاست‌گذاری آموزش عالی در جهت توسعه پایدار

آینده‌نگاری، فرایندی نظام‌مند و مشارکتی است که با هدف حمایت از تصمیم‌سازی در زمان حال و اجرای فعالیت‌های مشترک، به تولید دانش پیرامون آینده و خلق چشم‌اندازهای میان‌مدت و بلندمدت می‌پردازد و در سطح گسترده برای بهره‌برداری از نظرات و آرای کارشناسان مختلف، ایجاد همگرایی میان دیدگاه‌های متعدد علمی و ایجاد اجماع مورد استفاده قرار می‌گیرد. براین اساس، دانش و اطلاعاتی که از این فعالیت‌ها به دست می‌آید مبنای تعیین چشم‌اندازها و سیاست‌ها خواهد بود. (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۲۱-۲۲)

در حوزه سیاست پژوهی، آینده‌نگاری ابزاری برای سیاست‌گذاری است که می‌تواند به توسعه سیاست‌های فرآیند سیاست‌کمک کند. آینده‌نگاری با درگیر نمودن حوزه‌های علاقمند در فرآیند سیاست‌گذاری به شبکه‌سازی می‌پردازد. تقویت شبکه‌های موجود و ایجاد و نهادینه نمودن شبکه‌ای جدیدی از هویت‌های علاقمند به حضور در فرآیند سیاست، از جمله ویژگی‌های آینده‌نگاری می‌باشد. از این منظر، آینده‌نگاری بیش از هر چیزی فرآیندی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و مشروعیت‌تصمیمات و سیاست‌ها، دانش‌های مورد نیاز برای تدوین سیاست‌ها و ساختارمندی و نظم در فرآیند

سیاست را حفظ کند. از آنجائی که سیاست گذاری نیز شامل فرآیند و مراحل برای طرح ریزی در یک حوزه خاص و با خروجی مدون و لازم الاجرا است از این رو در واقع سعی دارد به شکل بخشیدن آینده آن موضوع بپردازد. (باقری، ۱۳۹۴، ص ۷) یکی از ضروریات نظام دانشگاهی، افزایش آگاهی دانشجویان از فرایندهای اجتماعی سازی علم و فناوری می باشد. (بیجکرواندریا ۲۰۰۹).

با توجه به این که فعالیت های سیاست گذاری، همواره درون حلقه محدودی از نخبگان نهادهای سیاست گذار اجرا شده و یک رویکرد کل نگر به موضوع سیاست گذاری در بهره برداری از ظرفیت های مراکز علمی وجود نداشته، آینده نگاری از قابلیت برخوردار است که ضمن همگرا ساختن این ظرفیت ها در سطح ملی، به شناسایی شفاف موضوعات و مسائل سیاست گذاری و تدوین دقیق تر سیاست های توسعه دهنده نوآوری ها کمک می نماید. (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۲)

رم باره<sup>۱۹</sup> از متخصصان برجسته ی کمیسیون اروپا در پژوهشی به تبیین تاثیرگذاری آینده نگاری<sup>۲۰</sup> بر سیاست گذاری، بر این باور است که آینده نگاری به عنوان فرایندی پشتیبانی کننده از تصمیمات، منافع زیر را برای سیاست گذاری به همراه خواهد داشت:

- ❖ دورنمای بلندمدت
- ❖ تخصیص فرایند به بازیگران و ذینفعان
- ❖ شفافیت، تفکر باز و زنده نگاه داشتن نگاه از پایین به بالا
- ❖ تعامل میان مشارکت کنندگان
- ❖ تمرکز ویژه بر تغییرات
- ❖ تنوع بازیگران و دروندادها و پذیرش تنوع در چشم اندازها زیست محیطی
- ❖ تمایل به علم و فناوری و قلمروهای اجتماعی، اقتصادی و رویدادهای مهم از منظر بازیگران
- ❖ اهمیت دادن به بدیل ها، شناسایی و اکتشاف فرضیات و شکل دهی به راهبردها. (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۳)

#### ۷- موانع اجرای سیات گذاری مطلوب توسعه پایدار در آموزش عالی

در نظام سیاستگذاری آموزش عالی کشور در مرحله تدوین، عدم التزام به اصول علمی تدوین سیاست، سیاست گذاری غیرتعاملی، و ادراکات متفاوت سیاست گذاران از وضعیت موجود و مطلوب کشور، باعث می گردد سیاست هایی وضع شود که در مرحله اجرا، با مسائلی مواجه شود. پس از تدوین سیاست، در بین دو مرحله تدوین و اجرا نیز، فاصله سیاست گذاران و مجریان، کمبود وفاق عملی لازم در درون و بین مراجع سیاست گذاری و اجرا، عدم التزام مجریان به سیاست ها و نهایتاً عدم اشراب سیاست های سطح کلان در برنامه های عملیاتی، باعث می گردد اجرای سیاست ها با مشکلات فراوانی مواجه شود. در مرحله اجرا، سیاست هایی که به خوبی نیز وضع نشده اند، در اثر ناکارآمدی اداری نظام مدیریتی، نابسامانی و عدم هم افزایی کارکردی دستگاه های مختلف کشور، عدم ثبات مدیریت، کمبود نیروی انسانی شایسته، حاکمیت ملاحظات کوتاه مدت، به نحوی ضعیف اجرا می شود و نمی تواند آن گونه که انتظار می رود خروجی ها، پیامدها و آثار مورد نظر سیاست گذاران را محقق نماید. نهایتاً در مرحله سوم فرایند سیاست گذاری، به دلیل ارزیابی ناکامل و ارزیابی نکردن پیامدها و آثار اجرای سیاست ها، سیستم های اجرا و تدوین، بازخوردهای ناقصی دریافت می کنند و بدین ترتیب، نمی توانند کاستی های خود را به موقع و به درستی برطرف نمایند. (شریف زاده و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۷۴-۷۳) همچنین مسائلی همچون ضعف استقلال و قدرت ابتکار در دانشگاه های ایران، مدرک گرایی، عرضه گرایی، بی تناسبی برنامه ها و آموزشهای دانشگاهی با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار و جهان زندگی، درماندگی آنها از پرورش توانایی های تفکر انتقادی، خلاقیت و کارآفرینی، رشد کم از حداقل

<sup>19</sup> Rémy Barre

<sup>۲۰</sup> آینده نگاری، ابزار یا مجموعه ای از ابزارها را در برمی گیرد که به وسیله آنها تا حد ممکن می توان به ارزیابی پیشرفت های احتمالی و گزینه های پیشرو برای اقدام پرداخته و در این راستا تا جایی تحلیل صورت می گیرد که بتوان آینده های بدیل وابسته به پیشرفت ها را مورد شناسایی قرار داد.

ضابطه معیارهای کیفی، موانع رشد و بالندگی هیأت علمی، عدم توسعه ی مطلوب همکاری های بین المللی و مانند آن از آثار و تبعات سیاست های آموزش عالی ما محسوب می شوند. (فراستخواه، ۱۳۹۲، ص ۹۱) بر این اساس، بخش عمده های از موانع اجرای موفق سیاست های آموزش عالی به نحوه تدوین، اجرا یا ارزیابی سیاست ها بازمی گردد که در ذیل، مهمترین مشکلات و آسیب های هر یک از این بخش ها بیان می گردد:

- ❖ فقدان انسجام و هماهنگی در سطح کلان.
- ❖ بی توجهی به رشد متوازن همه نظامها.
- ❖ انقطاع مسیر سیاست گذاری.
- ❖ برنامه ریزی عملیاتی غیرتعاملی.
- ❖ بی اعتقادی مجریان به سیاست ها.
- ❖ درک متفاوت از وضعیت موجود و مطلوب آموزش و پژوهش کشور.
- ❖ عدم گفتمانسازی برای سیاست ها

برای تعریف مسئله و سیاست گذاری در جهت حل آن باید وضعیت موجود به درستی و به طور شفاف و واقعی مورد توافق سیاست گذاران باشد و وضع مطلوب نیز مورد اجماع نسبی آنها قرار گیرد؛ ولی در حال حاضر، درک غیرواقعی از وضع موجود، باعث مخدوش شدن تدوین سیاست ها شده است. اکنون، فاصله بسیار زیادی در زمینه ادراک وضعیت موجود بین سیاست گذاران وجود دارد؛ به طوری که برخی، نگاهی بسیار خوشبینانه دارند لذا سیاست هایی آرمانی و دست نیافتنی تدوین می کنند و برخی، نگاهی بسیار بدبینانه دارند. در این شرایط که دامنه درک از وضع موجود متشتت و گسترده است سیاست گذاری بسیار مشکل خواهد بود. از سوی دیگر، وضع مطلوب نیز مورد اجماع سیاست گذاران نیست و نگاه ها و رویکردهای مختلف و گاه متعارضی در این زمینه نزد دست اندرکاران وجود دارد. در این شرایط، طبیعتاً سیاست گذاری بسیار سخت است و میزان توفیق عملی آن نیز بسیار کم خواهد آمد. یکی از دلایل عمده این وضعیت را می توان نبود اطلاعات درست از وضعیت آموزش عالی در جامعه و تفسیرهای متفاوت از آن دانست که باعث می گردد هدف گذاری و سیاست گذاری نتواند به درستی انجام شود و در اجرا، قرین توفیق گردد. (شریف زاده و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۵۳-۴۸)

عمومیت و گسترش آموزش عالی، ویژگی برجسته دنیای مدرن است. موسسات آموزش عالی در جوامع مختلف در سرتاسر دنیا توسعه یافته اند. مایر و دیگران می گویند که بین ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ توسعه نظام های آموزش ملی، جهانی بوده است (Meyer, 1971)

بررسی گزارش آنان همچنین نشان می دهد که در هیچ کشوری، میزان ثبت نام در دوره متوسطه یا آموزش عالی کاهش نداشته است بلایت و دیگران همچنین گزارش می کنند که تقریباً یک درصد جمعیت دنیا در دانشگاه هستند و همچنین تقاضای جهانی برای ورود به دانشگاه در بیست و پنج سال اول هزاره جدید ۳/۵ درصد در هر سال خواهد بود. (Blight, 2000)

#### ۸- نقش سیاست های آموزش عالی در توسعه پایدار

امروزه رویکرد بین المللی و جهانی شدن آموزش عالی به صورت یک رویکرد غالب در آمده است و نسل جدیدی از دانشگاه ها ظهور کرده است که انتظاراتی جدید از آن در توسعه پایدار به ویژه در ابعاد انسانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی می رود. ظهور جامعه هوشمند و حاکمیت فرهنگ شبکه ای و تجلی دانشگاه های نسل جدید، از یک سو اهداف و ماموریت های جدیدی را برای دانشگاه ها ترسیم نموده است. و از سوی دیگر دست اندرکاران آموزش عالی نیازمند نگرشی هستند که به همه ابعاد توجه نموده و جای ساده سازی و تقلیل گرایی امور، به درک و فهم مسایل جهت تبیین، پیش بینی و حتی کنترل پدیده های آموزشی عالی بپردازند، چرا که برداشت سطحی و سنتی از نهاد آموزش عالی معاصر، به اتخاذ راهکار های غیر منطقی و کوتاه نگرانه منجر خواهد شد از این رو دستیابی به دیدگاهی جامع، عمیق و منعطف و پویا و سیستمی، نیازمند سیاستگذاری صحیح جهت برنامه ریزی راهبردی نظام آموزشی عالی می باشد. (هالیس ۲۰۱۴)

و اما دستیابی به توسعه و رفاه یکی از اهداف مهم برنامه ریزان و سیاست گذاران در جوامع توسعه نیافته است که بسیاری از کشورهای جهان نیز سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و توسعه و ارتقای دانش و فناوری دارند، از این رو، سیاست های توسعه به آموزش خصوصاً آموزش عالی ارتباط دارد. یکی از نقش های مهم در این زمینه، تأثیر آموزش عالی بر توسعه اقتصادی است. برخی از محققان معتقدند هر نوع آموزشی که فرد می بیند در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می کند که می تواند درآمد بیشتری را در آینده به وجود آورد. (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴)

واقعیت این است که دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده در محیط خود فعالیت می کنند. لذا از یکسو از جهات مختلف علمی، آموزشی، خدماتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر محیط خود و تحولات آن اثر می گذارند؛ از سوی دیگر، خود از محیط و تحولات آن تأثیر می پذیرند. طبیعتاً مطلوب است که این تأثیر و تأثر تا آنجا که ممکن است به گونه ای بستر سازی و هدایت شود که بیشترین بهره را در توسعه جامعه و دانشگاه به ارمغان آورد. به همین روی، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به عنوان مراکزی راهبردی در نظر گرفته می شوند که رشد و توسعه پایدار جوامع مستقیماً به کمیت و کیفیت محصولات آنها وابسته می باشد. برخی نیز دانشگاه ها را آخرین سنگر تمدن قلمداد نموده، بر این باورند که توسعه همه جانبه و پایدار کشورها منوط به پویایی دانشگاه ها به عنوان «مرکز فرماندهی علمی و فکری» جامعه است. (یمینی دوزی سرخابی و ترک زاده، ۱۳۸۸، ص ۳)

بر این اساس، دانشگاه، سازمانی پایدار است که در سطح منطقه ای و جهانی، در اجرای وظایف اصلی آموزش، پژوهش و خدمات رسانی، رهبری جامعه در ترویج و مشارکت در کاهش اثرات منفی محیط اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی ناشی از استفاده از منابع را برای انتخاب سبک های پایدار زندگی بر عهده دارد. بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ چندین سند بین المللی تنظیم شده است تا پایداری در آموزش عالی را تعریف نماید. مواردی از سیاست های آن عبارتند از:

- مأموریت های دانشگاهی باید توسعه پایدار را منعکس کند.
- پایداری باید در تمام رشته های دانشگاهی و الزامات آموزشی تخصصی، همچنین در پژوهش های هیئت علمی و دانشجویان ادغام گردد.
- تاثیر دانشگاه باید در سیستم های محیطی و اجتماعی اطراف، شناسایی و اندازه گیری شود.
- دانشگاه باید در سیستم جذب، تصدی و ارتقای خود، تعهد به پایداری را نشان دهد.
- دانشگاه نسبت به آثار محیطی خود آگاه است، به پایداری در تولید و مصرف خود تعهد داشته و شیوه های پایداری را در تمام فعالیت های خود وارد کند. (مقدسی و رضوی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۷)

ویلاهان و کارتر<sup>۲۱</sup> (2001) اظهار داشته اند که سیاست های آموزش عالی باید طوری چیدمان شود که با آموزش های گسترده تر مبتنی بر صلاحیت، دانشجویان را برای پاسخگویی به توسعه های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به سرعت در حال تغییر، مجهز کند. در حقیقت نیاز به بررسی مداوم وضعیت برنامه های آموزش عالی جهت انطباق با نیازهای دانشجویان، شرایط جامعه و دانش روز امری بدیهی محسوب می گردد. در اهمیت موضوع «الوین تافلر»<sup>۲۲</sup> تاکید می کند در پیکار اقتصادی قرن بیست و یکم سازو کارهایی چون پژوهش های علمی و تکنولوژیکی، آموزش نیروی کار، نرم افزار پیشرفته، مدیریت و برنامه ریزی هوشمندانه تر، ارتباط پیشرفته نظام های الکترونیکی و مهمتر از همه سازماندهی خود دانایی، تکلیف کشور را روشن خواهد کرد. (بحرینی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۶)

البته نقش سیاست های مؤسسات آموزش عالی، در آموزش برای توسعه پایدار صرفاً به آموزش های رسمی در کلاس درس محدود نمی گردد، بلکه انجام پژوهش های تحقیقاتی، متناسب سازی فضای فیزیکی و زیرساخت های دانشگاه، ارائه خدمات تخصصی به جامعه، زندگی دانشجویی، برگزاری همایش ها و سمینارهای علمی، آموزش های کوتاه مدت، انتشار تولیدات

<sup>21</sup> Wheelahan & Carter

<sup>22</sup> Alvin Toffler



علمی(کتاب، مقالات و ....) تاثیر بسیار مهمی در افراد جامعه برای تحقق توسعه پایدار ایفا می کند.(مقدسی و رضوی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۷)

جدول ۲: کیفیت درسیاست گذاری آموزش عالی ایران(عباسی و شیره پزآرانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

ردیف	محتوی سیاستها
۱	محتوی آموزش شامل تربیت دینی همراه با آموزش، ویژگی های هیات علمی و شرایط مناسب و تسهیل کننده یادگیری
۲	نگاه متوازن به رشته های علمی و رشد کیفی در کنار رشد کمی
۳	طراحی و استقرار نظام جامع اعتبارسنجی، رتبه بندی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی
۴	تعیین شاخص های ارزیابی دانشگاه ها

نظام عالی آموزش نقش اساسی و محوری در فرایند توسعه ملی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشور دارد. سرمایه گذاری خصوصی در این بخش در واقع، ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل های آینده و اقدام صحیح در جهت توسعه علمی کشور به شمار می رود. به موازات این سرمایه گذاری، انتظار معقول و به حق جامعه از نظر آموزش عالی، ایفای نقش اصولی و موثر در ساختار توسعه پایدار است. (همان، ۱۳۹۳، ص ۶۰۷)

مطالعه استقلال دانشگاهی در اروپای ۲۳۱ که توسط EUA یا همان «انجمن دانشگاه اروپایی» در سال ۲۰۰۹ انجام شد نشان می دهد که در عمل، مقامات دولتی هنوز هم بیش از حد نقش مرکزی در تنظیم سیستم های آموزش عالی بازی می کنند اما این واقعیت است که مقامات دولتی در تعدادی از کشورهای اروپایی از کنترل مستقیم دولتی به سمت مکانیزم های هدایت غیرمستقیم حرکت کرده اند.

دانشگاه ها اغلب با عدم استقلال در برخی از حوزه های فعالیتی بسیار مهم خود مانند مدیریت مالی، ادامه حیات می دهند. (Estermann and steinel.2011)

قدر مسلم بحث های یاد شده این است که ایفاء بسیاری از رسالت های امروزی دانشگاه در قبال جامعه، از قبیل مشارکت در توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق پژوهش، نوآوری و توسعه یا انتقال فناوری های مورد نیاز جامعه، تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بازار کار و جامعه، توسعه و تعالی سرمایه انسانی جامعه (توسعه فردی و تعمیم آموزش عالی در یک جامعه فراگیر)، ارتقاء فرهنگ و تمدن و صیانت از ارزشها و سلامت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... تنها با تکیه بر این مزیت

نسبی دانشگاه یعنی استقلال و آزادی علمی میسر و معنی دار میشود(فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۳۱-۳۰) در نتیجه، بهبود کیفیت فعالیت های نظام های آموزش عالی به منظور پاسخگویی به چالش های پیش رو همواره از سیاست های اصلی دست اندرکاران نظام های آموزش به خصوص آموزش عالی بوده است.(عباس پور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱)

#### نتیجه گیری و پیشنهادات

دانشگاه ها، به عنوان بارزترین نمود سرمایه گذاری نیروی انسانی، نقش اصلی در تربیت و تامین نیروی انسانی کارآمد جامعه بر عهده دارد. آموزش عالی که سهم قابل توجهی از بودجه کشور را به خود اختصاص می دهند، نقشی تعیین کننده در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه در جهت توسعه پایدار دارند. از این رو، اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد آنها با توجه به سیاست های اتخاذ شده و بررسی این سیاست ها جهت جلوگیری از هدر رفتن سرمایه های انسانی و مادی و نیز نقش و تاثیر در همه حوزه ها برای تحقق توسعه پایدار دارای اهمیت می باشد. در واقع می توان نتیجه گرفت، با توجه به رسالت دانشگاهها در توسعه کیفی و کمی آموزش و پژوهش و ارتقای بیش از پیش جایگاه علمی کشور از طریق ایجاد تحول و نوآوری، به منظور نهادینه کردن روشهای مناسب حفظ و بهبود کیفیت، لازم است، سیاست ها و سیاست

گذاری در عرصه آموزش عالی براساس نیاز کشور و قابلیت رقابت در سطح جهانی باشد. در انتهای مقاله نیز پیشنهادات ارائه شده عبارتند از:

- استفاده از آینده نگاری به عنوان ابزاری برای گسترش بازیگران درگیر در سیاست گذاری آموزش عالی.
- تشویق طیف گسترده‌های از بازیگران عرصه سیاست گذاری به سوی تفکرات توسعه ای و بلندمدت و سوق دادن آنها به سمت ارزیابی نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدات آموزش عالی در فرایند توسعه به منظور پاسخگویی انعطاف پذیرانه به تغییرات.
- بازطراحی نظام سیاست گذاری و مدیریت کلان آموزش عالی کشور.
- برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه رهکارهای مناسب بر اساس شواهد حاصل از پژوهشهای چند تخصصی بین رشته ای و با توجه به نیازهای جامعه و آموزش عالی.
- ایجاد شبکه ارتباطی مناسب بین محققان و همچنین مدیران و سیاست گذاران به منظور همکاری و امکان استفاده از دستاوردهای تحقیقاتی.
- تحلیل همه جانبه نتایج و کاربرد در سیاستگذاری و برنامه های اجرایی و پیشگیری از دوباره کاری و اتلاف منابع محدود تحقیقاتی.
- توجه سیستم مدیریتی مؤسسات آموزش عالی به مسأله کیفیت آموزشی به عنوان مهمترین معیار تداوم فعالیت در نظام آموزش عالی کشور.
- تداوم و تقویت سیاست کاهش رشد کمی و افزایش رشد کیفی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور.

#### منابع و ماخذ

- آهنچیان، محمدرضا، (۱۳۹۱)، آمایش آموزش عالی و سیاست های توسعه علم و فناوری کشور: تحلیل گسست بر اساس تجربه نگاری، فصلنامه سیاست علم و فناوری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۶-۷۳.
- امامی مبینی، راضیه و اشتریان، کیومرث، (۱۳۹۱)، طراحی نظام ارزیابی سیاستهای عمومی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۴۷-۷.
- باقری، محمدرضا، (۱۳۹۴)، سناریوهای نظام سیاستگذاری فرهنگی کشور و ارائه الگوی پیشرفت آن، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت، صص ۲۱-۱.
- بحرینی بروجنی، مجید و نصر، احمدرضا و نیکخواه، محمد و سپهری، کبری و امرایی، ساسان، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر عدم بکارگیری دانش آموختگان رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی استان چهارمحال و بختیاری در پستهای تخصصی و مدیریتی، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال اول، شماره اول، صص ۵۳-۳۳.
- توسلی، حمید، (۱۳۸۷)، ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاستگذاری برای اجرای مطلوب سیاستها، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۱۵، صص ۹۶-۷۴.
- حسنوی، رضا و نظامی پور، قدیر و بوشهری، علیرضا و آذر، عادل و قربانی، سعید، (۱۳۹۲)، طراحی مدل تأثیر آینده نگاری بر سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری در سطح ملی با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ششم، شماره ۱، صص ۳۴-۲۱.
- حیدری، آزاده و حسن زاده، محمد و حریری، نجلا و نوشین فرد، فاطمه، (۳۹۱)، سازوکار ملی ترویج علم در ایران؛ با تمرکز بر سیاستگذاری و پیاده سازی، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال چهارم، شماره ۳، صص ۳۸-۱۷.

- دارابی، سلمان و نیستانی، محمدرضا و میرزایی فر، داود، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه‌ای میزان کاربست مؤلفه‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در توسعه‌یابدار آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۳۶-۱۰۱.
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا، (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر در سیاستگذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱، صص ۲۷۶-۲۴۷.
- سلطانی، امید، (۱۳۹۰)، ارزیابی رابطه برنامه ریزی راهبردی با انعطاف پذیری موسسات آموزش عالی مطالعه موردی دانشگاه شهیدبهبشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریف، مصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول و نادری، ناهید و رحیمی، حمید، (۱۳۹۰)، تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران، توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۰۶-۸۷.
- شریف زاده، فتاح و الوانی، مهدی و رضایی منش، بهروز و مختاریانپور، مجید، (۱۳۹۲)، موانع اجرای سیاستهای فرهنگی کشور طی برنامه های اول تا چهارم توسعه: بررسی تجربیات مدیران فرهنگی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، صص ۳۳-۷۷.
- شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹)، برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۱، صص ۴۳-۲۹.
- طاهری، قدرت و انصاری، محمد رضا و ضیائیان، مامک، (۱۳۹۴)، آمایش در بخش آموزش عالی، ماهنامه برنامه، شماره ۴۸۱، صص ۱۹-۱۴.
- عباس پور، عباس و شرفی، محمد، (۱۳۹۰)، ارزیابی درونی در گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، فصلنامه اندازه گیری تربیتی شماره ۵، سال دوم، ۱۵۹-۱۳۱.
- عباسی، محمدرضا و شیره پزآرانی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، سیاستگذاری کیفیت آموزش عالی: چالش ها و چشم اندازه‌ها، پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی، تهران، صص ۱۶-۱.
- غنچی، مستانه و حسینی، محمود و حجازی، یوسف، (۱۳۹۱)، تحلیل عاملی مولفه های مدیریتی تاثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیات علمی پردیس های کشاورزی دانشگاه تهران، پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره ۲، (پیاپی ۱۸)، صص ۱۸-۱.
- فتح الهی، احمد و یمنی، محمد و صباغیان، زهرا و فراستخواه، مقصود و قاضی طباطبائی، محمد، (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای برنامه های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۱، صص ۴۵-۲۷.
- فراستخواه، مقصود، (۱۳۹۲)، نقد مدل سیاستگذاری آموزش عالی در ایران، ماهنامه علوم اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۹، پیاپی (۱۷۱)، صص ۹۶-۸۹.
- قادری، حیدر، (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی) از نظر اعضاء هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه کاشان، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه کاشان.
- قاضی نوری، سروش و کاظمی، حمید و روشنی، سعید و ردائی، نیلوفر، (۱۳۹۴)، بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فناوری، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۳، صص ۸۶-۷۱.
- کاظمی، عباس، (۱۳۹۰)، بررسی اثرات سیاست های پولی و مالی دولت بر بهره وری و بازدهی آموزشی آموزش و پرورش، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور مرکز کرج.

- کرمی، مرتضی و بهمن آبادی، سمیه و اسماعیلی، آرزو، (۱۳۹۱)، اختار تصمیمگیری مطلوب در طراحی برنامه درسی آموزش عالی: دیدگاه اعضای هیأت علمی و متخصصان برنامه درسی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۷ (پیاپی ۴۳)، صص ۱۰۴-۹۲.
- کمالی، یحیی، (۱۳۹۴)، تدوین استراتژی ملی توسعه پایدار به مثابه جایگزین برنامه ششم توسعه، شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی، تهران، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، صص ۴-۱.
- گلدسته، اکبر و ابوالقاسمی، محمود و فراستخواه، مقصود و فتحی و اجارگاه، کوروش، (۱۳۹۴)، بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر جذب دانشجو توسط خرده نظام آموزش عالی غیرانتفاعی کشور در افق چشم انداز ۱۴۰۴، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۴، صص ۹۸-۸۱.
- محمدی نژاد، بهزاد، (۱۳۹۰)، مجموعه ای برای تحول در حوزه برنامه ریزی آموزشی، معاونت آموزشی دفتر پشتیبانی و حمایت آموزش عالی، وزارت علوم تحقیقات فناوری.
- محمودی، وحید و ماجد، وحید، (۱۳۹۱)، برنامه ریزی توسعه پایدار شهری با رویکرد برنامه ریزی هسته ای پیشنهادی برای برنامه ریزی توسعه پایدار شهری تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۴۶، صص ۷۱-۴۲.
- مقدسی، ملیحه و رضوی، شهرزاد، (۱۳۹۳)، نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، اصفهان، صص ۶۰۹-۶۰۲.
- منطقی، منوچهر و حسنی، علی و بوشهری، علیرضا، (۱۳۸۸)، شناسایی چالشهای سیاستگذاری در نظام ملی نوآوری ایران، سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۰۲-۸۷.
- نادری، ناهید و نوروزی، رضاعلی و سیادت، علی، (۱۳۹۵)، سیاست گذاری در آموزش و پرورش، انتشارات یار مانا، چاپ دوم، اصفهان.
- نیاز آذری، کیومرث و اسماعیلی شاد، بهرنگ و ربیعی، مجید، (۱۳۹۰)، سیاست گذاری و فرایند خط مشی عمومی در نظام آموزشی، انتشارات مهرالنبی، چاپ اول، قائم شهر.
- واعظ زاده، ساجده و نقدی، اسدالله و ایاسه، علی، (۱۳۹۴) مؤلفه های پایداری اجتماعی در برنامه های توسعه ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره دوم، صص ۵۹-۴۵.
- هاشمیان، محمدحسین و خلیلی، عزیزالله، (۱۳۹۲)، جایگاه خدامحوری در سیاستگذاری عمومی، فصلنامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال دوم، شماره دو، صص ۲۲-۵.
- یزدانی زازرانی، محمد رضا و نیک مرام، زین العابدین و قصری، اسداله، (۱۳۹۰)، برنامه ریزی توسعه؛ بررسی استراتژی توسعه اقتصادی در برنامه عمرانی پنجم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره هشتم، صص ۲۰۴ - ۱۷۵.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد و ترک زاده، (۱۳۸۸)، جعفر، بررسی وضعیت برنامه ریزی توسعه دانشگاه های دولتی در ایران، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴، صص ۱۹-۱.

- Almond, C. and verba. (1975). Civic Culture. Price ton university press.

- Golman, James (1990). Foundations of social Theory. The Belknap press of Harvard university press
- Vers poor, R. (1997) Fund and Decentralization of Education system in Central and Eastern Europe. <http://www.ei.ie.org>. (August 2000) i.
- Estermann, Thomas and Nokkala, Terhi and steinel. Monika (2011), university Autonomy in Europe II, European university Association.
- Halbse peter. (2014). Multi-versity and university, what difference does it make? Journal of Golloquia, vol.1. pp2-16
- Bijker, E, Wiebe and D Andrea Luciano (2009). Handbook on the socialization of scientific and technological research, River press Group, Rome, Italy
- Meyer, John W., Francisco O. Ramirez (1977) The world educational revolution, 1950 – 1970, sociology of Education, 50(4): 242 -258
- Blight, D & Davis, D., & Olsen, A (2000) The globalization of higher education, in scolt, p.(ed) Higher education re- formed London and new York: Falmer press.